

آدمربایی تحت تاثیر یک فیلم



دستگیری دو آدمربا که تحت تاثیر فیلمی، نقشه آدمربایی را طراحی و اجرا کرده بودند، خاطره یکی از قضات دادگستری است.

در دفترم بودم که از مرکز فوریت های پلیسی تماس گرفتند و موضوع عجیبی را مطرح کردند. ماموری که پشت خط تلفن بود، گفت: جناب بازپرس، لحظاتی قبل مردی هراسان با پلیس تماس گرفت و در حالی که به سختی صدایش شنیده می شد از ماجرای گروگانگیری خبر داد. مکالمه ای که مرد جوان با ما داشت این بود: «دو نفر مرا گروگان گرفته اند و می خواهند از من اخاذی کنند. من با نقشه ای آنها را به شرکت کشانده ام. می ترسم بعد از این که وسایل را به آنها بدهم، مرا زنده نگذارند، آنها حتی از من فیلمبرداری و تهدید کرده اند تصاویرم را در فضای مجازی منتشر خواهند کرد.» البته سعی کردم به او آموزش بدهم که خونسردی اش را حفظ کند و از او خواستم آدمربایان را معطل کند. ماموران برای هماهنگی های قضایی و اقدام برای دستگیری تماس گرفته بودند و بعد از کسب اجازه، بلافاصله راهی محل شدند و دو مرد گروگانگیر را بازداشت و صاحب شرکت به نام آرش را نیز از دست آنها آزاد کردند.

کمک اشتباهی

آرش وقتی مقابلم قرار گرفت تا ماجرای گروگانگیری را تعریف کند همچنان در استرس و هیجان ماجرای بود که پشت سر گذاشته بود. او گفت: در حال عبور از خیابان سوار بر خودروی تویوتا کمری ام بودم که ناگهان متوجه دو خانم جوان شدم که کنار خیابان به انتظار تاکسی بودند. هواسرد و خیابان هم خلوت بود، به همین دلیل تصمیم گرفتم به آنها کمک کنم. مسیری که آنها می خواستند بروند با مسیر من یکی بود و دوزن جوان سوار شدند. مقابل خانه ای که دوزن جوان مقصدشان بود توقف کردم، اما آنها از من خواستند چند لحظه صبر کنم و اگر امکان دارد باتوجه به این که تاکسی در خیابان نیست آنها را به مقصد دیگری ببرم. من هم به ناچار قبول کردم و دوزن برای قدردانی از من خواستند وارد خانه شان شوم و منتظر بمانم. اصرارهای آنها باعث شد دعوتشان را به داخل خانه قبول کنم. اما به محض ورود به خانه با دو مرد مواجه شدم. یکی از آنها با دیدن من فریاد زد: «همسرم و خواهر زنم در تمام این مدت نزد تو بودند. تو آنها را گروگان گرفته بودی؟ می دانی در این مدت چه به من گذشت؟ من که گفته بودم توانایی پرداخت پول برای آزادی شان را ندارم.» در همین حین بود که دوزن خانه را ترک کردند و من ماندم و دو مردی که نمی دانستم چه می گویند.

نقشه فرار

او گفت: همان مرد جوانی که داد و فریاد می کرد به سمتم آمد و با تهدید دست و پایم را بست و شرط آزادی ام را پرداخت پول اعلام کردند. اما پول

زیادی همراه نداشتم. این موضوع آنها را راضی نکرد که مرا آزاد کنند. ناگهان فکری به ذهنم رسید و به آنها گفتم درست است که الان پول همراهم نیست اما در شرکتیم پول دارم و می توانید کامپیوترها و تلویزیون گران قیمتی را که داخل شرکت است برای خودتان بردارید. آنها که تا اینجای ماجرا پولی به جیب نزده بودند موافقت شان را اعلام کردند و قبل از این که به سمت شرکت برویم از من فیلم تهیه کردند تا به قول خودشان به وقتش از آن استفاده کنند. آنها در حالی که جاقویی روی پهلو می بود سوار خودرویم کردند و به سمت شرکت راه افتادیم و تهدید کردند اگر سروصدا کنم، مرا زنده نمی گذارند. در راه مدام با خودم فکر می کردم تا راهی برای فرار پیدا کنم که ناگهان فکری به ذهنم خطور کرد. مقابل در ورودی شرکت به آنها گفتم شرکت دوربین دارد و اگر با من وارد شوید دوربین ها چهره شما را می گیرند. همین جا بمانید تا من وسایل با ارزش شرکت را با خودم بیاورم. وقتی چهره پر از مخالفت آنها را دیدم گفتم، فیلم مرا که گرفته اید و از طرفی هم آدرس شرکت و مدارکم در دستتان است. شرکت هم که یک در بیشتر ندارد. سرانجام مردان آدمربا قبول کردند و من با ورود به شرکت با پلیس تماس گرفتم. ماموران خواستند آدمربایان را سرگرم کنم تا خودشان را برسانند. من هم به بهانه این که باید تلویزیون را از دیوار باز کنم از آنها پیچ گوشتی گرفتم و خودم را مشغول باز کردن تلویزیون کردم. در دلم دعا می کردم که ماموران هر چه زودتر خودشان را برسانند که با صدای درگیری از خیابان خیالم راحت شد و فهمیدم آنها آمده و گروگانگیران را بازداشت کرده اند.

به خاطر یک مشت پول

تحقیقات از مرد جوانی که طراح این گروگانگیری بود را آغاز کردم و او زمانی که مقابلم نشست گفت: شرایط مالی ام خوب نبود و به فکر راه چاره ای بودم. از بیکاری یک فیلم سینمایی گذاشتم که ماجرای آن اخاذی از راننده های خودروی مدل بالا بود. همان جافکری به ذهنم خطور کرد و تلفن را برداشتم و با شهاب دوستم در موردش صحبت کردم. او هم استقبال کرد. به همین دلیل از دوست دخترهای مان خواستیم ما را در این ماجرا همراهی کنند. دوست دخترهای مان در نقش طعمه، مرد تویوتا سوار را به داخل خانه کشاندند و ما هم قصد اخاذی از او را داشتیم که سر بزنگاه و درست وقتی منتظر گروگان بودیم، دستگیر شدیم. پس از تحقیقات از دو گروگانگیر، دستور بازداشت آنها را صادر کردم. آنها تحت تاثیر هیجان یک فیلم، نقشه ای را طراحی و اجرا کرده بودند؛ نقشه ای که تصور می کردند مانند پایان فیلم برای آنها خوش خواهد بود. دو پسر جوان به عاقبت کار خود فکر نکرده بودند و وقتی فهمیدند چه مجازاتی در انتظارشان است، شوکه شدند.



تپش

۳ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم
چهارشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۱ | شماره ۱۰۰۸

قطار مرگ

۲۹ بهمن سال ۱۳۸۲ انفجار قطار نیشابور که بزرگ ترین سانحه راه آهن در ایران است، رخ داد که در این حادثه بسیاری از آتش نشانان و نیروهای امدادی، نیروهای دولتی از جمله فرماندار وقت این شهرستان و اهالی محلی کشته و زخمی شدند. شکل گیری حادثه انفجار قطار نیشابور زمانی آغاز شد که در اوایل روز چهارشنبه و دقایقی پس از ساعت ۴ بامداد، واگن های متوقف شده و بدون لکوموتیو از ایستگاه ابومسلم - سه ایستگاه قبل از ایستگاه نیشابور - به طور ناخواسته فرار کرده و به روی ریل به سمت مشهد به حرکت درآمدند که پس از مسافتی با قطار باربری دیگری که حامل گوگرد بود در ایستگاه خیام - یک ایستگاه قبل از نیشابور - در محل روستای دهنو هاشم آباد برخورد کردند. ساعت ۹ صبح از سوی مدیرعامل سازمان آتش نشانی و فرمانده عملیات اعلام می شود که حریق مهار شده است. از واگن ها بخار به هوا می رفت و به نظر می آمد این بخار مربوط به آب ریخته شده روی آتش است. پس از خاموش شدن آتش، عوامل حاضر در صحنه، عملیات را پایان یافته تلقی کردند و تدابیر امنیتی ایجاد شده در محل برداشته شد.



مردم محلی و مسئولان برای تماشا و تشکر از خدمات افراد مشارکت کننده در عملیات به محل واگن ها نزدیک شدند و در ساعت ۹ و ۳۷ دقیقه صبح مواد داخل واگن ها منفجر شدند که بدین ترتیب یک حادثه کوچک، یعنی فرار واگن ها و آتش گرفتن شان، به دلیل عدم شناخت نوع مواد در حال حمل، رعایت نکردن اصول ایمنی و استانداردهای لازم در حمل این گونه مواد و اطفای غیر تخصصی آتش نشانان به یک بحران بزرگ تبدیل شد. انفجاری بسیار مهیب منطقه را ویران کرد، صدای انفجار در شهرهای مختلف شنیده شد و در مشهد، یعنی ۹۰ کیلومتری محل حادثه زلزله ۳/۵ ریشتری ثبت شد. ۴۵۰ نفر زخمی شدند و بیش از ۳۰۰ نفر از افرادی که نزدیک محل سانحه از جمله آتش نشانان، مسئولان و مردم بودند به طرز فجیعی کشته شدند به نحوی که شناسایی برخی از آنها امکان پذیر نبود. بعدها مشخص شد، در این واگن ها چهار ماده اصلی پنبه، گوگرد، نفتا (سوخت هواپیما) و کود نیترات آمونیوم حمل می شده اند. حکم متهمان فاجعه انفجار قطار در نیشابور پس از گذشت چهار سال صادر و ۱۰ نفر از متهمان پرونده به حبس محکوم شدند. طبق رأی صادره از سوی رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی مشهد از مجموع ۱۲ متهم پرونده، ۱۰ نفر از کارمندان وقت شامل رئیس اداره بهره برداری، معاون ایستگاه ابومسلم، رئیس قطار باری، مسئول ایستگاه ابومسلم، ترمزبان، چهار سوزن بان و مدیرعامل شرکت به مجازات حبس محکوم شدند.